

نگاه اسلام به حضور اجتماعی زنان

استاد حوزه و دانشگاه
معموره ظهیری

خدای متعال در خلقت انسان، فارغ از جنسیت، به خود، فَعْتَبَارَكَ ا... اَحْسَنَ الْخَالِقِينَ» می‌گوید و آنچه در هستی مدنظر است، مقام کرامت انسانی است، اما در دنیای بیرونی دو جنس زن و مرد با مذکر و مؤنث را آفرید. پروردگار عالمیان حقوق این دو جنس را برابر وضع کرده و در تکالیف و مسئولیت‌ها بین این دو بنا بر شرایط و اقتضائات هر جنس، تفاوت قائل است؛ یعنی زن و مرد در مقابل قانون از برابری و تساوی برخوردارند و تفاوت‌شان به مسئولیت‌ها بازمی‌گردد. البته مسئولیت‌های مشترک نیز بین زن و مرد وجود دارد؛ مثل اینکه همه باید اهل تلاش و کار باشند و نیز می‌توانند نقش یکدیگر را هم بپذیرند؛ مثل زنانی که مسئولیت‌های اقتصادی دارند یا مردانی که به امور خانواده رسیدگی می‌کنند.

در طول تاریخ بعد از این نقطه نخستین خلقت، با فراز و فرودها و نیز چالش‌هایی در برخورداری از حقوق و عمل به مسئولیت‌ها از سوی هر دو جنس مواجه بوده‌ایم؛ گاهی یک جنس روحیه زیاده‌طلبی و اقتدار منفی را به خود اختصاص داده و همه چیز را به نفع خویش مصادره کرده است؛ مثل رواج پدرشاهی یا مادرشاهی در برهه‌هایی از تاریخ. این فراز و فرودها در ادیان و مکاتب و طول تاریخ با فطرت و طبیعت انسان ناسازگار بود تا آنکه پیامبر اسلام (ص)، شخصیت زن را احیا کردند و آنچه خداوند در خلقت به دو جنس تعلق داده بود، بازخوانی کردند؛ هرچند پس از رحلت نبی اکرم (ص) و در جریان خلافت خلفا و دیگر حکمرانان، این مسئله دچار چالش و تغییراتی شد.

در کنار نگاه نه شرقی نه غربی، نه تحجر نه روشن فکری به معنای استفاده ابزاری، نگاه سومی وجود دارد که باید تبیین و شفاف شود. اینکه زن هم مادر است، هم همسر و هم می‌تواند فعال اجتماعی باشد. نباید او را به موجودی همه جانبه و همه بعدی خارج از عهده او تبدیل کند. باید‌ها و می‌تواندها را به انتخاب واگذار کنیم؛ یعنی زمینه‌ها و باید‌ها را فراهم کنیم و می‌تواندها را به انتخاب زنان بگذاریم.

باید توجه کرد صرفاً اشتغال زنان، فعالیت اجتماعی محسوب نمی‌شود. اینکه زن حق رأی دارد، می‌تواند در فعالیت‌های فرهنگی مشارکت کند و عضو تشکل‌ها و حتی مدیر شود، جلوه‌هایی از کنشگری اجتماعی زنان است، چنان‌که پس از پیروزی انقلاب ما فرمانده سپاه زن (مرحوم مرضیه دباغ) و نیز عضو خیرگان رهبری (خانم منیره گرجی) از جامعه زنان و نیز وزیر زن داشتیم؛ البته این بستر باید به صورت قانونی و در همه جایگاه‌ها به طور مساوی برای زنان فراهم شود اما در کش و قوس بوده و در همه دهه‌های پس از پیروزی انقلاب یکسان نبوده است.

ما به یک عقب‌ماندگی تاریخی دچار هستیم که به پیش از انقلاب بازمی‌گردد. باید در پی اعمال تبعیض مثبت باشیم؛ مثل حرکت آمبولانس که حق تقدم و اولویت دارد. باید این راه را برای بانوان باز کنیم تا در تبعیض مثبت، به شرایط مساوی با مردان برسند و بعد شرایط عادی شود.

به دلیل عقب‌ماندگی تاریخی و ریشه‌دار، هنوز جایگاه‌های برخورداری از همه مزایا را برای بانوان فراهم نکرده‌ایم. لذا اکنون تعداد مدیران و نمایندگان مجلس از زنان محدود است. در مجمع تشخیص مصلحت نظام که اصلاً عضو خانم نداریم یا در میان حقوق‌دانان شورای نگهبان با وجود فراوانی تحصیل‌کردگان در جامعه زنان، هنوز عضو خانم نداریم. همچنین است در پست‌های مدیریتی مثل معاونان وزرا. لذا لازم است عرصه و بستر حضور زنان در نقش‌های سیاسی اجتماعی، ایجاد و مناسب‌سازی شود؛ امری که هنوز اتفاق نیفتاده است.

ما مانع قانونی نداریم اما مثل دوندۀ‌ای که قبلاً جلوتر بوده است. مردان از زنان جلوتر هستند، چون در شرایط مساوی ندیده‌اند. بنابراین ضرورت دارد به‌منظور تحقق نگاه امام خمینی (ع) و انقلاب اسلامی به نقش و جایگاه زنان، شرایط مناسب و مساوی در برخورداری آن‌ها از امکانات حضور مفید و مؤثر اجتماعی فراهم شود.

بردار

و بخوان

مناجات

«خدا! ما به بخشندگی و بخشایندگی تو طمع داریم. ناامیدمان مکن! خدا! شیرینی «دوست داشتن» و «دوست داشته شدن» را در جان جوانان ما جاری کن! خدا! ما را از گریختگان به آغوش بخواه! خدا! ما را راهزن دین کسی قرار مده و ما را سبب دوری دوستانمان از خودت مپسند! خدا! سایه بی‌عرضگی و ناتوانی و بی‌چاگی را از روی زندگی ما بردار! خدا! در این زمانه غبارآلود نه راه معلوم است و نه چاه، دیده بینایمان ده! خدا! جنگ زدن به هیچ ریسمانی جز بخشایندگی ات را بر ما مپسند، حتماً برای شما هم شب‌ها و روزهایی پیش آمده است که دیگر از زمین و زمانه به تنگ آمده باشید و با خدای خود درددل و نجا کنید. مناجات کردن همیشه راهی برای تسکین و البته گره‌گشایی از مشکلات است. در سیره بزرگان و ائمه اطهار (ع) نیز مناجات به عنوان راهی برای افراد توصیه شده است و بسیاری از ادعیه و مناجات‌های موجود به درخواست یاران و شیعیان ایشان برای ما به جای مانده‌اند. جملات بالا از کتاب «مناجات» است. این اثر مجموعه‌ای از راز و نیازهای عباس حسین نژاد است که با زبانی ساده و روان نوشته شده است. کتاب حاضر قصد دارد ضمن یادآوری تجربیات بکر نیایش، به خوانندگان این پیام را برساند که گفت‌وگو با پروردگار، نیازمند هیچ آداب و آیین مشخصی نیست و می‌تواند صریح و ساده باشد؛ چراکه خداوند همه جوره، پذیرای ماست.

خوانندگان با مطالعه کتاب مناجات، راز و نیازهای شخصی خود را به یاد می‌آورند و صمیمیتی را که این تجربیات در قلب فرد بیدار می‌کند، تشدید می‌کنند. یکی دیگر از دستاوردهای کتاب پیش‌رو، یادآوری این نکته است که خداوند همیشه به ندای قلب ما گوش می‌دهد و گفت‌وگو با او، نیازمند هیچ‌گونه تشریفات، آداب و رسوم و پیچیدگی خاصی نیست؛ چراکه اهمیتی ندارد با چه زبان و به چه نحوی به مناجات بپردازید. مهم این است که خدایی وجود دارد که در هر شرایط، پذیرای گفت‌وگو با بندگانش است.

هدف از نگارش کتاب پیش‌رو، رساندن این پیام است که هر فردی می‌تواند در هر شرایطی با خداوند صحبت کند. سادگی نیایش‌های درج شده در کتاب مناجات، داستان حضرت موسی (ع) و شیان را یادآوری می‌کند؛ به همین خاطر هم موفق شده است ارتباطی مؤثر با خواننده برقرار کند. این کتاب را انتشارات سوره مهر منتشر کرده است.

این اثر برای تمام افرادی که خواهان راز و نیازی خالصانه و عمیق و با زبانی ساده و راحت برای گفت‌وگو با خالق هستی هستند، توصیه می‌شود.

در مورد نویسنده، خوب است بدانید که عباس حسین نژاد، نویسنده ایرانی، متولد سال ۱۳۵۸ است. او کارشناس زبان ژاپنی است و اکنون در مؤسسه‌های فرهنگی و هنری مشغول به کار است.



آثار و فضیلت‌های اعجاب‌انگیز سوره واقعه

سوره‌ای برای بی‌نیاز شدن

آمَنَہ مستقیم| سوره‌ها و آیات قرآن به عنوان کتاب هدایت و حیات، در کنار بیان آموزه‌ها و راهنمایی‌ها، و همچنین تلاش ما به عنوان انسانی مومن و مسلمان که توصیه شده است با کار و کوشش خود را از خلق و مردم بی‌نیاز کنیم، تا جلو دیگران محتاج نباشیم؛ راه و معبری برای درک سعادت و کمال واقعی‌اند. هرچند در کنار کار و تلاش خودمان می‌توانیم از متون دینی کمک بگیریم. سوره‌های قرآن هریک آثار و خواصی دارند که دانستن آن‌ها و کاربرستانشان، بسیاری از گره‌های بزرگ زندگی ما مثل فقر، نابرابری و بیماری را از بین می‌برد. سوره مبارک واقعه جزو همین سوره‌هاست که مروری بر خواص و فضایلش، نشان می‌دهد که ما با چه گنجینه‌ای مواجهیم.

شیوه خواندن

سوره واقعه برای توسعه رزق

برای گشایش رزق و روزی فرد می‌تواند خواندن این سوره را از شب شنبه شروع کند و هر شب، سه بار بخواند و استثناً در شب جمعه (پنجشنبه بعد از نماز عشا) هشت بار بخواند و این عمل را پنج هفته اجرا کند و قبل از تلاوت هر بار این سوره، این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا رِزْقًا حَلَالًا طَيِّبًا مِنْ غَيْرِ كَذِّ اسْتِجَابِ دَعْوَتِنَا مِنْ غَيْرِ رَدٍّ وَ اعْزِمْنِ الْفَضِيحَيْنِ الْفَقْرَ وَالَّذِينَ وَاذْفَعْ عَنِّي هَذَيْنِ بَخِي الْأَمَانَيْنِ الْحَسَنَ وَالْخَشِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا رَحِمَ الرَّاحِمِينَ».

مانع بزرگ فقر

در فضیلت تلاوت سوره واقعه، روایات بسیار است. رسول خدا (ص) می‌فرمایند: «شخصی که سوره واقعه را بخواند، نوشته می‌شود که این فرد از غافلان نیست» (مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۴، ص ۳۵۱). هرکه سوره واقعه را هر شب بخواند، هیچ تنگدستی و گرفتاری به او نمی‌رسد. رسول خدا (ص) فرموده‌اند: «سوره واقعه را به زنان خود یاد دهید؛ زیرا آن سوره بی‌نیازکننده است» (کنز العمال، ج یک، ص ۲۶۴).

بیان احوال قیامت

سوره واقعه، پنجاه و ششمین سوره قرآن و مکی است و ۹۶ آیه دارد و برای خواندن آن، خواص بی‌نظیر و معجزات شگفت‌آوری از جمله توسعه رزق روزی، ازدواج و بارداری و محبوبیت، بیان شده است. در این سوره، اخبار قیامت و احوال آن آمده و این سوره موجب پیر شدن پیامبر (ص) بوده است. مردی از رسول خدا (ص) پرسید: «چرا این قدر زود پیر شدیدی؟» در جواب فرمودند: «سوره‌های هود، واقعه، مرسلات و نبا مرا پیر کرده است» (الامالی، شیخ صدوق، ص ۲۴۴).

راه محبوبیت در قلب‌ها

همه ما دوست داریم در نظر خداوند خود محبوب باشیم. یکی از راه‌های کسب این محبوبیت از زبان امام صادق (ع) چنین نقل شده است که: «هرکه در هر شب جمعه، سوره واقعه را قرائت کند، خداوند او را دوست می‌دارد و او را محبوب همه مردم می‌کند و هرگز در دنیا ناراحتی، فقر و تنگدستی و آفتی از آفات دنیا به او نخواهد رسید و از همراهان و رفیقان امیرالمؤمنین (ع) خواهد بود و این سوره، ویژه امیرالمؤمنین علی (ع) است و هیچ فردی در آن شرکت ندارد» (نواب الاعمال، ص ۱۱۷).

بخت‌گشایی

از دواج یکی از مهم‌ترین اتفاقات زندگی انسان است. از خواص سوره واقعه برای ازدواج و ختم آن برای گرفتن انواع حاجات، روایاتی ذکر شده است که... بهجت هم بر آن تأکید کرده است؛ به این صورت که هرگاه اول ماه قمری، روز دوشنبه باشد، خواندن سوره واقعه را شروع کنید و تا چهاردهم ادامه دهید. در روز اول یک مرتبه، در روز دوم دو مرتبه تا روز چهاردهم، چهارده مرتبه خوانده شود.

افزایش برکت مال و زندگی

خیلی از ما از کمی برکت مال و روزی گلایه داریم و دنبال راهی هستیم که بر برکت داشته‌هایمان بیفزاییم. به تصریح روایات، سوره مبارک واقعه نسخه درمان این مشکل است.

گره‌گشایی

برای اجابت حاجات بزرگ، توصیه شده است چهل شب، هر شب یک بار سوره‌های واقعه، مزمل، لیل، انشراح و پس از آن دعای: «یا رازق السائلین، یا راحم المساکین، یا ولی المؤمنین، یا غیاث المستغیثین، یا رحم الراحمین، صل علی محمد و آل محمد و اکفنی حلالک عن حرامک و بطاعتک عن معصیتک و بفصلک عمن سواک، یا اله العالمین و صلی... علی محمد و آلہ اجمعین» خوانده شود که بسیار مجرب است (درمان با قرآن، ص ۱۱۱).

هر روز پس از اتمام تعداد سوره‌های تلاوت شده آن روز این دعا را بخوانید

يَا مُسْتَسِيبَ الْأَشْبَابِ وَ يَا مُفْتَحَ الْأَبْوَابِ افْتَحْ لَنَا الْأَبْوَابَ وَ تَبَسَّرْ عَلَيْنَا الْحِسَابَ وَ سَهِّلْ عَلَيْنَا الْعِقَابَ [الضَّعَاب]. اللَّهُمَّ إِنَّ كَانَ رِزْقِي وَ رِزْقُ عِيَالِي فِي السَّمَاءِ فَأَنْزِلْهُ وَ إِنَّ كَانَ فِي الْأَرْضِ فَأَخْرِجْهُ وَ إِنَّ كَانَ فِي الْأَرْضِ بَعِيدًا فَاقْرَبْهُ وَ إِنَّ كَانَ قَرِيبًا فَاقْصِبْهُ وَ إِنَّ كَانَ سَيِّئًا فَمَكِّثْهُ وَ إِنَّ كَانَ كَثِيرًا فَخَفِّضْهُ وَ إِنَّ كَانَ مُخْلَدًا فَطَهِّرْهُ وَ إِنَّ كَانَ طَيِّبًا فَابْرِكْ لِي فِيهِ وَ إِنَّ لِمَ يَكُنْ يَا رَبِّ فَكُونْهُ بِكَيْفَتَيْكَ وَ وَحْدَانِيَّتِكَ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَ إِنَّ كَانَ عَلَى آيِدِي شَرَارٍ خَلَقْتَ فَانْزِعْهُ وَ انْقُلْهُ إِلَيَّ خَيْرًا كَوْنٌ وَ لَا تَقْلِبْنِي إِلَيْهِ حَيْثُ يَكُونُ

روشنا

امیرالمؤمنین؛ علی (ع): لَا يُعَابُ الْمَرْءُ بِتَأْخِيرِ حَقِّهِ إِلَّا مَا يُعَابُ مَنْ أَخَذَ مَا لَيْسَ لَهُ. (نهج البلاغه، کلمه ۱۵۷).

احکام

حکم شنونده غیبت

پرسش: با سلام، اگر در یک جمع سه نفره نشستۀ باشم و آن دو نفر با هم غیبت دیگران را کنند و با من اصلاً صحبتی نکنند، آیا من هم در گناه آن‌ها شریکم؟

پاسخ اجمالی: پاسخ اجمالی: تعلیم دینی می‌گوید که شنونده غیبت در گناه غیبت‌کننده شریک است. در کتاب‌های روایی، سر فصلی با همین موضوع در نظر گرفته شده است که احادیث این مسئله در آن گردآوری شده است، در این فرصت به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌شود،

۱. «الشامعُ شَرِیکُ الْغَائِلِ»، شنونده غیبت در گناه غیبت‌کننده شریک است.

۲. «الشامعُ لِلْغِیْبَةِ کَالْمُفْتَقِی» شنونده غیبت، مانند غیبت‌کننده است.

۳. «الشامعُ لِلْغِیْبَةِ أَحَدُ الْمُفْتَاتِینِ» فردی که به غیبت گوش می‌سپارد، یکی از غیبت‌کنندگان است.

۴. «شامعُ الْغِیْبَةِ أَحَدُ الْمُفْتَاتِینِ»، شنونده غیبت یکی از غیبت‌کنندگان است.

۵. «شامعُ الْغِیْبَةِ شَرِیکُ الْمُفْتَقِی»، شنونده غیبت در گناه غیبت‌کننده شریک است.

۶. «مُسْتَمِعُ الْغِیْبَةِ كَقَائِلِهَا»، شنونده غیبت مانند گوینده غیبت است.

فردی که گرفتن حق و طلب خود را به تأخیر بیندازد، مشمول سرزنش واقع نمی‌شود، سرزنش متوجه آن فردی است که چیزی که مال او نیست، بدان تعدی و تجاوز کند.

البته آنچه در این مسئله درخور توجه و دقت است؛ این است که اگر کسی در مجلس غیبت حضور داشته باشد و با میل و رغبت گوش کند، در گناه غیبت شریک است و آن که غیبت به طور اتفاقی به گوشش خورده و امکان بازداشتن دیگران از غیبت برای او وجود نداشته است، مشمول این احادیث نیست. دلیل اینکه شنونده غیبت در گناه مانند غیبت‌کننده می‌باشد؛ این است که هر دو آن‌ها با رضایت در غیبت مشارکت دارند و ذهن آن‌ها مشغول به تصورات ناروایی است که مورد نهی است. تنها اختلافشان در این است که یکی گوینده است و دیگری شنونده. یکی با زبان می‌گوید و دیگری با گوش و با اختیار بد خودش تصورات کذب و حرام غیبت‌کننده را می‌پذیرد، چرا که با نشستن در مجلس غیبت، نفس انسان با آن فضا انس و الفت پیدا می‌کند، در نتیجه آثار سوء آن مجلس، مانند سم کشنده در روح و روان وی نفوذ می‌کند.^۷ بنابراین، باید گفت اگر به تمام آنچه غیبت‌کنندگان درباره فرد غایب گفتند و شما نیز به گفته هایشان گوش دادی، در گناه غیبت با آن‌ها شریک هستی، اما اگر همین که آن‌ها شروع به غیبت کردند و شما تذکر دادی که «غیبت نکنید! غیبت حرام است!» و با تذکرات شما دیگر غیبت ادامه پیدا نکرد، یعنی با آن‌ها ساکت شدند با شما مجلس غیبت را ترک کردی، یا اگر امکان نهدی از منکر و ترک مجلس نباشد، در برخوردت نشان دادی که از کارشان راضی نیستی، مانند اینکه چهره ناراحت به خود گرفتی و از آن‌ها روی برگرداندی و... در گناه غیبت با آن‌ها شریک نخواهی بود.

منابع: ۱. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، محقق، مصحح، رجایی، سید مهدی، ص ۳۶. دار الکتب الاسلامی، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۰. ۲. لثنی واسطی، علی بن محمد، عبون الحکم و المواعظ، محقق، مصحح، حسینی بیرجندی، حسین، ص ۲۹. دار الحدیث، قم، چاپ اول، ۱۳۷۶. ۳. همان، ص ۲۷. ۴. همان، ص ۲۸۲. ۵. همان، ص ۲۸۶. ۶. همان، ۲۸۵. ۷. مجلسی، محمد باقر، مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، محقق، مصحح، رسولی محلاتی، هاشم، ج ۱۰، ص ۴۱۲. دار الکتب الاسلامیة، تهران، چاپ دوم، ۱۲۰۴.